

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

انجنیر سید مختار دریا

۰۷ جولای ۲۰۲۱

سروده برگرفته از مجموعه "خروش در غربت" خدمت شما عزیزان پیشکش شد. داستان پرخانه بزودی به زیور چاپ آراسته شده و به دسترس عزیزان ادب پرور گذاشته خواهد شد.

قمار بازان

در کوچه کرده غوغا سه پته و بجلباز
در کنج کوتاه بنگر پره‌ای پرچه پرچه
با دود گشته دم‌ساز بنشسته زیر اُرسی
بی جوره پای پیاده آمد زکارتۀ نو
یارو بجیم بیا پیش یانی که گشتی پوده
بتر و فلاش و نورنگ یا بسته خال بالا؟
بیخار باش امروز هرکس بیک تلاش است
با یک غرابه ایندم عبدل سرش صدا کرد
مالچ کدیم صد تا، مثل توره د میدان
کارش دراین شب و روز یک چال و قطه بند است
بر روی شانه انداخت یک شنگ شال خود را
شاه تپان چو جیک است قُر گفت سرور گُت
غوٹ کلوله اینبار ترات گفته بل کرد
پیش کرد سگرتی را پیش نواسۀ یاور
این سر و مانجه و دپ در پیش کس نیاید
یارو سرش صدا کرد پایت د جایی بند است؟
آهسته گفت لالا یک صدی قطه بند است
پرتین کته کته میدان پُخته سازی است
گفتا که ما خو تیریم تا کیست مرد میدان
میدان چُپا چُپی شد لالا غلام حیران

چند روز باد عید است پرخانه می شود باز
شیر مزار بنگر پهلوی فیض قرچه
در گوشۀ دگر بین لالا غریب چرسی
یاروی لنگ آورد یک بسته قطۀ نو
از دور یک صدا کرد لالا غلام شوده
یارو به کاکه گی گفت شوقت ده چیست لالا؟
لالا بگفت پرتو شوقم سر فلاش است
یاقوب کاسه برجی زینوی کُپه صدا کرد
یانی که نیستیم ما، لالا حریف میدان
بیا پرتو چال چند است لالایت خو وند وند است
غوٹ کلوله آمد انداخت چال خود را
هرکس به پیش رویش سه قطه است سر پُت
اکرم فلنگ و یارو یکدم سرش دبل کرد
یکسینه کش زشیرک پُف کرد سوی سرور
گفتا بزن که امروز لالا دگر نیاید
زینوی کل صدا کرد یک بیستی قطه بند است
شیر مزار چون دید یک شاه و توس خود را
قار عنایت آمد گفتا چی سکه بازی است؟
غوٹ کلوله انداخت پر را به روی میدان
هر کس که خواند پر را انداخت روی میدان

یک توس و یک دوتائی بر روی ماتکه شیشته
 شیر مزار شق کرد گفتا که اینه آمد
 ختم کلام میدان گرم است و هردو پر زور
 یک چند دقیقه بگذشت آمد قدیر خاده
 هرکس به فکر جیش چشمش به روی میدان
 پیش آمد و بگفتا زور خورد کار خوب است
 گفتا که شیر لالا قطیته مه بینم؟
 لالا غلام گفتا اینه پدر ای قطه
 لالا قدیر چون دید قطه لالا غلامه
 رخ کرد قطه ها را در پیش هردوی شان
 پرخانه را اصول است با شیوه های خاصش
 لیکن درین شب و روز میهن لگد لگد شد
 اینبار میهن ما پرخانه ست در باز
 سه پته باز ماهر شیشته ست در سپیدار
 اشرف ز ترق دیوار هی می کند نظاره
 بابای ملت ایندم گردیده دست و دلباز
 در هر کنار میهن آورده انتحاری
 تا شورشی بیارند با دود و آتش خود
 پرسند از غنی خان این مفسد دغلباز
 با نوکران داعش چون گشته اند دمساز
 این است حال و احوال در هر کنار میهن
 میهن تباه کردند با حربه تعصب
 چون کوچ کرده زاین جا احساس آدمیت
 از بس که گشته رسوا این جمع در لجنزار

مختار دریا ۲۶ اگست ۲۰۱۸ کانادا

یادداشت:

جهت حفظ نظم و قافیه در شعر، کلماتی که به زبان گفتار در شعر گنجائیده شده، ویراستاری نوشتاری نشده اند.

ویراستار پورتال AA-AA